

امنیتی شدن و تأثیر آن در بحران‌های منطقه‌ای (مطالعه موردی عراق)

فرهنگ پاشایی لیان^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۲۰

پرویز احدی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۲۲

محمد یوسفی جویباری^۳صمد ظهیری^۴

چکیده

مسئله امنیت از مهمترین موضوعات در سطح روابط بین الملل است و صاحب‌نظران دیدگاه‌های مختلفی در خصوص دست‌یابی و حفظ آن مطرح نموده‌اند. منطقه خاورمیانه از نظر امنیتی خواستگاه چالش‌های بسیاری است که در آن عوامل مختلف داخلی و خارجی را می‌توان دخیل دانست. در این میان چالش‌هایی چون تروریسم و جرایم سازمان‌یافته در منطقه خاورمیانه، جنگ عراق با ایران، جنگ خلیج فارس، حمله به کویت توسط عراق، القاعده، یازده سپتامبر و اقدامات نظامی آمریکا، ظهور داعش، اسرائیل تأثیرات زیادی داشته‌اند و بررسی دقیق‌تر بحران‌های سیاسی عراق پس از سقوط صدام حسین برای فهم مسایل امنیتی در خاورمیانه و عراق می‌تواند ابعاد مختلف این بحران‌ها را روشن سازد. نقش قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، عربستان و ترکیه که گاهی روابطشان به صورت رقابتی و گاهی خصمانه است در بحرانی شدن خاورمیانه به ویژه عراق حائز اهمیت است. از قدرت‌های فرامنطقه‌ای آمریکا و روسیه به طور مستقیم در خاورمیانه حضور دارند که حمایت آمریکا از کردهای عراق در امنیتی شدن این کشور اثر گذار بوده است. بر این اساس این مقاله در صدد است به روش توصیف-تحلیلی به بررسی موضوع امنیتی شدن و تأثیر آن در بحران‌های منطقه‌ای به ویژه عراق بپردازد.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیتی شدن، بحران‌های منطقه‌ای، عراق

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ استاد یار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران * (نویسنده مسئول)

^۳ استاد یار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۴ استاد یار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تبریز، تبریز، ایران

۱. مقدمه

خاورمیانه همواره منطقه‌ای بحران خیز و تنش‌زایی بوده که این بحران‌ها به اشکال مختلفی مانند استقلال طلبی‌ها، نزاع قومی مذهبی، جنگ لفظی میان مقامات دولت‌ها، جنگ‌های داخلی و تهدیدات خارجی، تروریسم و خشونت و رادیکالیسم و بنیادگرایی مذهبی خودنمایی کرده و بحران‌های منطقه‌ای در خاورمیانه را ایجاد کرده است. در سال‌های اخیر، بحران‌های عراق و سوریه به کانون بحران‌های خاورمیانه تبدیل شده‌اند که کنشگران منطقه‌ای با منافع، رویکردها، انتظارات و هویت‌های متعارض در مقابل هم صف‌آرایی نموده و هریک در مسیر حذف دیگری گام برمی‌دارند. علاوه بر جنگ و نزاع داخلی در عراق بر سر موضوعات مختلف، می‌توان اذعان نمود که رقابت و تضاد منافع ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک کنشگران اصلی منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، عامل اصلی تداوم و طولانی شدن بحران‌ها و امنیتی شدن منطقه شده است. فرضیه‌ای که در این مقاله مطرح است اینکه با رفع عوامل بحران‌ها امکان تامین امنیت در خاورمیانه به ویژه کشور عراق امکان‌پذیر است. این مقاله درصدد است به روش توصیفی-تحلیلی به این سؤالات پاسخ دهد که دلایل امنیتی شدن و تأثیر آن در بحران‌های منطقه‌ای با تأکید بر کشور عراق چیست؟

۲. پیشینه تحقیق

برای نیل به مقصود در بررسی سوابق علمی در خصوص موضوع امنیتی شدن و تأثیر آن در بحران‌های منطقه‌ای (مطالعه موردی عراق)، به پیشینه آن می‌پردازیم.

- مرتضی ماهری ولینجق، (۱۳۹۹)، در کتابی با عنوان «بحران‌های امنیتی در دولت ملی عراق (چند فرهنگی بودن در سایه جهانی شدن)»، به چند فرهنگی بودن در سایه جهانی شدن می‌پردازد. دولت‌های ملی در راه پیشرفت و توسعه با مشکلات و موانع داخلی و خارجی گوناگونی مواجه هستند. در بعد داخلی این دولت‌ها با مشکلاتی چون مسأله هویت ملی، مشروعیت حکومت، تقاضاهای مردم و توزیع منابع و امکانات و مسائلی از این دست مواجه‌اند.

- خطیبی پور و همکاران، (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «امنیتی شدن مذهب و ارتقاء بحران در خاورمیانه: با تأکید بر بحران‌های عراق و سوریه (۲۰۰۵-۲۰۱۷)»، بیان داشته‌اند «امنیتی شدن هویت مذهبی» یکی از تاثیرگذارترین عناصر در ایجاد یا تشدید بحران‌هاست که سبب شده خاورمیانه همچنان دست به گریبان مباحث امنیتی باشد و تنش‌ها و بحران‌های گوناگونی را تجربه نماید که دومین‌وار همه کنشگران منطقه‌ای را به چالش کشانده است.

- غلامی و همکاران، (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با موضوع «ماهیت دولت و امنیت ملی در عراق»، به بررسی عوامل شکل‌دهنده به کم و کیف معادلات سیاسی و امنیتی عراق امروز، به ترتیب اولویت در سطوح سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پرداخته‌اند. با توجه به این که اولین و مهم‌ترین سطح شکل‌دهنده به

حیات سیاسی و اجتماعی هر کشوری سطح داخلی است، و اگر بپذیریم که مولفه‌های داخلی سبب آغاز بحران و تداوم آن می‌باشد، باید گفت مولفه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، دارای نقش تشدید کننده و تسریع کننده ی بحران و تداوم آن هستند.

سید امیر نیاکویی، (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با موضوع «بررسی بحران‌های عراق و سوریه در پرتو نظریه‌های امنیتی»، اظهار نموده است که صلح و امنیت از دیرباز در زمره مهمترین موضوعات در عرصه روابط بین الملل بوده و نظریات متنوعی درباره چگونگی دست یابی به آن مطرح شده است. در این میان باید توجه داشت که چالش‌های صلح و امنیت در مناطق مختلف جهان متفاوت است. مولف در این مقاله به دنبال آن است که با نگاهی اجمالی به چالش‌های صلح و امنیت در منطقه خاورمیانه، به بررسی دقیق تر بحران‌های سیاسی عراق پس از سقوط صدام حسین و جنگ داخلی جاری در سوریه در پرتو نظریه‌های امنیتی بپردازد.

فتحی و همکاران، (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با موضوع «مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه»، نتیجه‌گیری کرده‌اند که امروزه منطقه‌گرایی یکی از الزامات سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهد. ایران و ترکیه به عنوان دو کشور مهم منطقه‌ای به لحاظ شرایط خاص آنها در خاورمیانه، همواره به دنبال افزایش نقش منطقه‌ای خود بوده‌اند. تحولاتی که از سال ۲۰۱۱ در سوریه و سپس در کشور عراق از سال ۲۰۱۳ آغاز شد، تأثیرات زیادی بر منطقه‌گرایی دو کشور برجای گذاشته است.

سجاد خطیبی‌پور، (۱۳۹۷)، در رساله دکتری خود با عنوان «امنیتی شدن مذهب و تأثیر آن بر ارتقا بحران در خاورمیانه با تأکید بر بحران‌های عراق و سوریه (۲۰۰۵-۲۰۱۷)»، بیان داشته است که از نظرگاه امنیتی، خاورمیانه یکی از حساس ترین دوران بحران خود را پشت سر می‌گذارد. دو هویت مذهبی مسلط کنشگران در بحران، در قالب شیعه و سنی (وهابی) سبب تشدید منازعات هویتی-مذهبی و افزایش واهمه از قدرت‌گیری هویت رقیب شده‌اند. امروزه بحران‌های عراق و سوریه به کانون بحران‌های خاورمیانه تبدیل شده‌اند.

علی اصغر ستوده و حاجی عباسعلی خانی (۱۳۹۵)، در رساله دکتری خود با موضوع «تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه (۲۰۱۱ تاکنون)»، اظهار داشته که مجموعه امنیتی خاورمیانه همواره به عنوان ساختاری کشمکش‌زا در عرصه سیاست بین الملل تعریف و ترسیم شده است. در واقع، وابستگی‌های امنیتی مجموعه امنیتی خاورمیانه بعد از شکل‌گیری آن از جنگ جهانی دوم تاکنون بیشتر از آنکه بر مبنای الگوهای همکاری تعریف شود، بر مبنای الگوهای دشمنی از جمله منازعات اعراب-اسرائیل، منازعات دورن عربی، منازعات عرب-غیر عرب و بخصوص جمهوری اسلامی ایران در مقابل دولتهای سنی عرب مشخص شده است. به نظر می‌رسد که منازعات داخلی سوریه و عراق به شکل اساسی فرآیندها و در نتیجه تکامل مجموعه امنیتی خاورمیانه را از خویش متأثر نموده است.

همت علی سهرابی، (۱۳۹۶)، در پایان نامه‌ای با موضوع «تأثیر ژئوکالچر شیعه بر بحران‌های امنیتی منطقه غرب آسیا (سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۶)»، مطالعه موردی: کشور عراق»، بیان داشته که نظریات مطروحه در مورد نقش پهنه‌های جغرافیایی در سیاست داخلی و بین‌الملل را می‌توان از ژئوپلیتیک به ژئوکالچر ترسیم نمود، که در تمام نظریات غرب آسیا و جهان اسلام نقشی پررنگ در آن‌ها داشته‌است. از جمله مسأله‌ی جنبش شیعه از نظر آمریکا و عربستان، جنبشی بنیادگرا است، پیوندهای معنوی میان ایران و ملت شیعه در خاورمیانه باعث بروز نگرانی‌هایی برای آمریکا و عربستان است. برای ترسیم افق امنیتی منطقه‌ی غرب آسیا- پس از انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱، ضروری است مولفه‌ها، متغیرها و عناصر مهم آن از جمله اسلام سیاسی و تأثیر ژئوکالچر شیعه، مورد واکاوی قرار گیرد.

۳. مفاهیم و تعاریف

۳-۱. بحران^۵

بحران عبارت از یک مرحله زمانی است که در آن، عدم اطمینان درباره برآورد وضعیت و راهکارهای کنترل آن افزایش می‌یابد (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۰). بحران، به موقعیتی اطلاق می‌شود که بیانگر درجه‌ای از تهدید نسبت به جان مردم، سلامتی آنها و امکانات زندگی ایشان است. بیشتر بحران‌ها به صورت خاموش و در عین حال بالقوه برای آفرینش آسیب هستند و هنگامی که یک بحران خفته به صورت فعال در می‌آید، پاسخی سریع را طلب می‌کند. بحران‌ها ممکن است آهسته اثر یا سریع اثر باشند. بحران‌های آهسته اثر، بحران‌های هستند که در طول یک دوره زمانی نسبتاً طولانی اتفاق می‌افتند و پاسخ طولانی و فرسایشی را نیز طلب می‌کنند. نمونه بارز چنین بحران‌هایی خشکسالی، قحطی و جنگ است. در مقابل، بحران‌های سریع اثر، بحران‌های از قبیل زلزله و سیل که در لحظاتی کوتاه، خسارات و خرابی‌های بسیاری را به جا می‌گذارند. این بحران‌ها قابل پیش‌بینی نیستند، اما خسارات و شدت آنها قابل پیش‌بینی است. بنابراین، امکان برنامه‌ریزی برای مقابله با آنها وجود دارد. (مهکویی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

۳-۲. معنای لغوی امنیت

واژه در فرهنگ نامه‌هایی به زبان‌های متعدد، معانی نسبتاً مشابه و یکسانی از قبیل محفوظ بودن، سلامت بودن، مصون بودن، آرامش داشتن، ایمن بودن و در امان بودن تضمین برای امنیت در نظر گرفته شده است. امنیت در لغت حالت فراغت، از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. (عمید، ۱۳۹۰: ۲۷۵)

⁵ - Crisis

در فرهنگ فارسی معین، امنیت در معنای ایمن بودن، ایمن شدن، در امان بودن، نبود ترس و بی بیهی آمده است. (معین، ۱۳۹۱، ج ۱) هرچند برخی دانشمندان و نویسندگان در نوشته های خود واژه امنیت را از نظر شکلی و محتوایی ابهام آمیز معرفی کرده اند.

امنیت مصدر جعلی امن، ایمن شدن، در امان بودن، فقدان خطر نسبت به جان، مال، عرض و حقوق آحاد مردم است. در جامعه داشتن امنیت یکی از نیازها و اهداف بنیادین بشر بوده است. هر کسی در پی آن است که از وضعیتی مطمئن برخوردار باشد و هر آنچه که متعلق به اوست در سایه امنیت از تعرض سایرین مصون باشد. (جعفری لنگرودی، ، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۲۴)

۳-۳. معنای اصطلاحی امنیت

امنیت یکی از نیازهای مبرم جامعه و تأمین آن موجب حفظ استقلال و عدم آن موجب به خطر افتادن آن خواهد بود و حفظ امنیت و استقلال کشور اقتضا می کند که زمامداران تمام امکانات و تسلیحات دفاعی، و نیروی انسانی سازماندهی نظامی لازم را برای تقویت و حفظ بنیه نظامی کشور فراهم آورند تا ضامن امنیت و استقلال کشور باشد. (همان: ۷۲۷)

۳-۴. مفهوم امنیت ملی

مفهوم امنیت ملی به رغم قدمت و کاربرد فزاینده اش در ادبیات روابط بین الملل، همچنان توسعه نیافته، مبهم، نارسا، ماهیتا جدال برانگیز و متباین و متناقض است (رستمی و نادری، ۱۳۹۲: ۱۶۷). از نقطه نظرات مهم مکتب کپنهاک، مفهوم امنیت ملی است. بوزان و سایر اعضای مکتب کپنهاک، امنیت ملی را مرکز ثقل امنیت می دانند (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۴۵۰).

بوزان، معتقد است که امنیت در جوامع انسانی را عوامل پنج گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تحت تاثیر قرار میدهد و با هر نوع تهدیدی که در ارتباط با عوامل پنج گانه به وجود می آید، باید مقابله کرد (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۹).

۴. ابعاد امنیت

امنیت دارای دو بعد داخلی و خارجی است که با یکدیگر مرتبط هستند. در بعد داخلی، تهدیدهای آشکار و پنهان در درون مرزها، ناامنی بوجود می آورد از قبیل تهدیدات سیاسی (شورش، جدایی طلبی، انقلاب ...)، بحرانهای اقتصادی، نظامی (جنگ داخلی و ...) و آشوب های اجتماعی که هر کدام مردم را تحت فشار قرار می دهند. در بعد خارجی نیز امنیت می تواند از ناحیه مسائل سیاسی، نظامی و اقتصادی (تحریم های اقتصادی، تعرفه ها ...) تهدید شود. امنیت ملی عبارت است از توانایی یک کشور در دفع تهدیدهای داخلی و خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود، با قرار دادن امنیت پیش از کلماتی چون فردی، ملی و بین المللی،

الگوهای امنیتی متفاوتی تشکیل می شود که از نظر معنی لغوی و اهداف، هرکدام از این اصطلاحات ترکیبی گسترده و دامنه ویژه ای از مفهوم امنیت را در سطوح مختلف فردی، ملی و بین‌المللی به ذهن متبادر می‌کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۷۲۶)

۵. نظریات امنیتی

نظریه های رئالیسم (واقع گرایی)، لیبرالیسم، سازه انگاری، انتقادی و مکتب کپنهاک، نظریه‌های برجسته در مطالعات امنیتی هستند که با ارائه پیش فرض ها و چارچوب مطالعاتی متفاوت در مورد امنیت ملی و امنیت بین الملل، افق های تازه ای را در حوزه مطالعات امنیتی به وجود آورده اند و دیدگاههای متفاوتی در مورد پرسش های اساسی امنیت از جمله مرجع، کار گزار، ابعاد و شیوه تامین امنیت، مطرح ساخته اند (یزدان فام، ۱۳۸۶: ۷۲۵).

تغییر مرجع امنیت از دولت ها به افراد، مهم ترین تغییری است که نظریه انتقادی در مطالعات امنیتی ایجاد کرده است. این نظریه مفهوم نوینی از هویت را که در نظریات سنتی امنیت در چارچوب وفاداری و تعلق به دولت ملی و عناصر شکل دهنده آن تعریف می شد، ارائه میدهد و شهروندی و وفاداری آن را، ورای مرزهای ملی جست و جو می کند (قیصری، ۱۳۹۳: ۴۵).

۶. مفهوم امنیتی شدن

«مکتب کپنهاک» اصطلاحی است که بیل مکسوئینی برای آثار و دیدگاه‌های «باری بوزان الیور»، دووید و برخی دیگر به کار برده است. این مکتب تنها رهیافتی است که صرفاً مبتنی بر مطالعات امنیتی و جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش نموده است. (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

امنیتی ساختن یکی از مباحث مطرح و مهم در مکتب کپنهاک می باشد و تعریف امنیت به عنوان کنش کلامی مرکز ثقل این بحث است. امنیتی ساختن به فرآیندی گفته می‌شود که منجر به قرار دادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت می گردد، در حالی که قبلاً در این حوزه، قرار نداشته است (عبداله خانی، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

۷. دلایل اهمیت خاورمیانه

منطقه خاورمیانه از ابعاد گوناگون در استراتژی قدرت‌های جهانی نقش و جایگاه بالایی ایفا کرده است. برای درک بهتر این اهمیت لازم است به برخی از دلایل اهمیت‌ها پرداخته شود.

۷-۱. اهمیت ژئوپلیتیک

ژئوپولیتیک به مفهوم درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد، می‌باشد. به عبارت دیگر ژئوپولیتیک عبارت است از: علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل. (کاظمی، ۱۳۶۶: ۶۸) موقعیت جغرافیایی خاورمیانه ویژگی‌هایی به این منطقه داده که همواره سیاست بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار داده است. وجود رودها، دریاها، دریاچه‌ها، تنگه‌های متعدد نشانه‌هایی از اهمیت استراتژیک و ژئوپولیتیکی این منطقه است که در میان آن‌ها بسفر، داردانل، کانال سوئز و تنگه هرمز و باب‌المندب جای خاصی دارند. این تنگه‌ها بسان دروازه‌های طبیعی خاورمیانه و شمال آفریقا عمل می‌کنند. (قربانی شیخ نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۹)

خاورمیانه از بعد ژئوپولیتیک، دارای شرایط خاصی است که می‌توان به تغییرناپذیری معادلات و مناسبات ژئوپولیتیک در خاورمیانه اشاره نمود. علل اصلی این موضوع در قرن ۲۱ و تحول ژئوپولیتیک در خاورمیانه به نوع نظام حاکم در سطح بین‌الملل و جایگاه آن مربوط است. جایگاه ژئوپولیتیک در نظام پدیدارشنونده نوین به جهت تعادل استراتژیک است، بازشناخت ماهیت ژئوپولیتیک خاورمیانه و بنیادهای گفت‌وگویی آن از منظر ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمون فرامنطقه‌ای در آغاز هزاره جدید سبب خواهد شد تا ماهیت تهدیدات و فرصت‌های آتی برای بازیگران منطقه‌ای هم مشخص شود. به نظر استراتژیک‌های آمریکایی حضور در فضای جهانی بدون تکیه بر خاورمیانه ناممکن است. لی‌تردید جوهره متباین ژئوپولیتیک خاورمیانه، آن را از سایر حوزه‌ها متمایز ساخته و آن را به موقعیتی بی‌دلیل در گستره جهانی رهنمون ساخته است (جمعه‌ای، ۱۳۸۸: ۵۴).

۷-۲. اهمیت اقتصادی

منطقه خاورمیانه به عنوان کانون انرژی جهان در سراسر قرن بیستم و به گونه‌ای مضاعف در آغاز قرن جدید، نقطه خیزش و ظهور تحولات و بحران‌های متعددی بوده که تأثیرات آن‌ها اغلب از سطوح منطقه‌ای فراتر می‌رفته است. منطقه خاورمیانه به ویژه از زمان پایان جنگ جهانی دوم به این سو، به دلیل اهمیتی که در اقتصاد جهانی پیدا کرد، بیش از پیش مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار گرفت و آنها را وادار ساخت تا برای حضور و نفوذ در تحولات این منطقه از ابزارهای مختلفی استفاده کنند. (<http://www.farsnews.com>).

۷-۳. اهمیت تاریخی و فرهنگی

خاورمیانه از نظر فرهنگی-تاریخی خاستگاه و زادگاه ادیان بزرگ توحیدی و الهی است. پیامبران اولوالعزم خداوند، در این منطقه، رسالت جهانی خود را اعلام کرده‌اند. از حدود بیست و چند تمدن شناخته شده، بیش از نیمی از آن در منطقه خاورمیانه شناسایی شده‌اند. بسیاری از تمدن‌های معروف دیگر نیز در همسایگی خاورمیانه بازشناسی شده‌اند مانند تمدن‌های چین و هند. از نظر مذهبی شهر بیت المقدس، برای پیروان ادیان الهی یهود، مسیحیت و اسلام، بسیار مقدس و ارزشمند است. علاوه بر این‌ها، خاورمیانه گهواره

قانون گذاری و دانش های فلسفه و ادبیات و ... به شمار می آید. هنر دنیای قدیم ریشه در این منطقه دارد و از اینجا به سراسر جهان گسترش یافته است. از دیگر مواردی که راجع به اهمیت منطقه خاورمیانه می توان اشاره کرد، اهمیت مذهبی، تاریخی و پیوندهای مربوط به آن در این منطقه است که موجبات تحقق رژیونالیسم های منطقه ای، مشارکت های سیاسی، همکاری های اقتصادی را منجر گشته است. فلذا باید گفت که روح پیوندیافته مشترکات مذهبی و لیدئولوژی، تاریخی هنوز هم در جو حاکم بر خاورمیانه وجود دارد و یکی از عوامل مؤثر و تأثیر گذارنده بر سیاست منطقه ای کشورها بوده است. (<http://www.farsnews.com>).

۴-۷. اهمیت سیاسی و امنیتی

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی نخست، ایجاد مرزهای تحمیلی برای کشورهای جدیدالتأسیس، بر اساس مصالح و مطامع قدرت های استعماری اروپا که در خاورمیانه حضور داشتند بدون توجه به مسایل قومی، نژادی و مذهبی مردم شکل گرفت. برای همین، امروزه در خاورمیانه و حتی شمال آفریقا، کشوری را نمی توان یافت که به گونه ای با یکی از همسایگانش، بر سر منابع آب، نفت، زمین و ... اختلاف نداشته باشد. همین مشکل هر از چند گاهی به رقابت تسلیحاتی دامن می زند و در مواردی باعث درگیری و جنگ کوتاه مدت و درازمدت در خاورمیانه شده است؛ بنابراین، خاورمیانه از نظر سیاسی - امنیتی هم برای مردم منطقه و هم برای کشورهای دیگر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. منطقه خاورمیانه به لحاظ نظامی و استراتژیکی بسیار با اهمیت است، منطقه ای که بین اروپا، آفریقا و جنوب شرق و آسیا واقع شده دارای چند نقطه استراتژیکی از جمله تنگه هرمز، تنگه باب المندب و کانال سوئز است؛ بنابراین تسلط بر این مناطق استراتژیکی، مزیت مهم نظامی و استراتژیکی ایجاد خواهد نمود و همین امر یکی از دلایل مهم چالش دو ابرقدرت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد به شمار می رفت. (ایازی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۵)

۸. چالش های امنیتی در خاورمیانه:

چالش های امنیتی در خاورمیانه تلفیقی از سطوح داخلی و خارجی، بیانگر سطح بالای منازعات و رقابت مذهبی، سیاسی و تسلیحاتی است. در نگاه اول به نظر می رسد که رویکرد واقع گرایی به خوبی وضعیت امنیتی خاورمیانه را تبیین کند. همان طور که می دانیم واقع گرایی فرض می کند که نظام بین الملل آنارشیک است و در آن هیچ پلیس کارآمدی وجود ندارد که ناقضان قوانین بین المللی را مجازات کند. وضعیت آنارشیک پویایی یک نظام فاقد اقتدار مرکزی را به تصویر می کشد و البته به معنای هرج و مرج گونه بودن نیست بلکه اصل نظم دهنده ای است که رفتارهای مشابهی را تجویز می کند (Waltz, 1979: 88-92).

بررسی وضعیت خاورمیانه حاکی از آن است که کشورهای این منطقه در واکنش به احساس تهدید از یکدیگر به تقویت تسلیحاتی دست زده اند. این امر در واقع تأیید کننده نظریه استفان والت است مبنی بر اینکه کشورها نه در مقابل قدرتمندترین دولت بلکه در مقابل تهدیدآمیزترین دولت دست به موازنه می زنند و تهدید نیز برآیندی از چهار مؤلفه مجاورت، نیات تهاجمی، قدرت تهاجمی و قدرت متراکم است (Walt, 1988: 14).

در سالهای اخیر نیز روند معمای امنیتی و نظامی شدن در منطقه رشد چشمگیری یافته است. جالب آن که بسیاری از کشورهای عربی خلیج فارس عمدتاً سیاستهای موازنه داخلی که معطوف به ارتقای قابلیت نظامی داخلی و موازنه خارجی که معطوف به اتحاد و ائتلاف خارجی عمدتاً با ایالات متحده است را در مقابل آنچه خود احساس تهدید از سوی ایران می دانند، توسعه داده اند. آنها با برجسته کردن برنامه هسته ای و موشکی ایران آن را تهدیدی برای خود تلقی می کنند و در مقابل آن به گسترش تسلیحاتی و اتحاد و ائتلافهای نظامی با امریکا پرداخته اند. اوا بلین در پژوهشی نشان میدهد که کشورهای خاورمیانه در زمره کشورهایی هستند که بیشترین هزینه ها را صرف امور نظامی و امنیتی می کنند و هزینه بالایی را صرف خرید تسلیحاتی می کنند. هفت کشور ایران، مصر، اسرائیل، عربستان سعودی، الجزایر، کویت و امارات متحده عربی در سال ۲۰۰۰ میلادی ۴۰بازار تسلیحاتی جهان را شکل دادند (Bellin, 2004: 147).

باید توجه داشت که منطقه خاورمیانه سرشار از عوامل منازعه ساز تاریخی است که زمینه تنش و برداشتهای تهدید آمیز از یکدیگر را گسترش می دهد از جمله این که منازعات مرزی پیچیده‌ای تقریباً بین تمامی کشورهای این منطقه وجود دارد، منازعه بین ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه ایرانی، منازعه ایران با عراق در رابطه با اروندرود که نقش مهمی در بروز جنگ تحمیلی داشت، اختلاف عراق و کویت، منازعه قطر و بحرین، منازعه مصر و اتیوپی، منازعه عمان و امارات متحده عربی، منازعه قطر و عربستان سعودی، منازعه عربستان و امارات تنها بخشی از تعارضات مرزی در این منطقه است (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۲۷-۳۲).

بدون شک برخی شکافهای عمیق تاریخی فرهنگی مانند شکاف شیعه سنی و شکاف اعراب و غیر اعراب نیز زمینه های بدبینی و حتی تخاصم را ایجاد کرده است. البته باید توجه داشت که خاورمیانه را می توان به مناطق امنیتی مختلفی تقسیم کرد. فرهاد قاسمی، شبکه منطقه ای خاورمیانه را با توجه به پنج منطق چرخه جهانی قدرت، چرخه محلی و منطقه ای قدرت، منطق تهدیدات، منطق همجواری و گفتمان حاکم بر نخبگان ملی کشورها به پنج منطقه شامات خاورمیانه ای، حوزه غربی خاورمیانه، حوزه خلیج فارس، حوزه جنوب غربی آسیا، ترکیه و در نهایت حوزه حاشیهای آسیای میانه و قفقاز) تقسیم کرده است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۹۸-۲۹۷).

بیشتر کشورهای منطقه همچنین از معضلات امنیتی داخلی رنج می برند که ناشی از ضعف روندهای دولت ملت سازی است. مشکلات ترکیه با اکراد، مشکلات فرقه‌های پیچیده در سوریه، شکافهای قبیله‌ای و

مذهبی عمیق در عراق، برخی گرایشهای جدایی طلبانه در ایران، شکافهای مذهبی و فرقه‌های چند لایه در لبنان که به جنگهای داخلی طولانی مدت منجر شده، تنها برخی از جنبه‌های داخلی امنیت در خاورمیانه را شکل داده‌اند. البته عوامل بالا در کشورهای متفاوت یکسان نیست و نقش عوامل داخلی و خارجی در امنیت کشورهای فوق متفاوت است. در این میان پیوند چالشهای امنیتی داخلی و خارجی در خاورمیانه به پیچیدگی‌های آن افزوده است. در واقع در بسیاری از اوقات، حمایت‌های خارجی از برخی چالشها و مدعیان داخلی وضعیت بغرنجی را پدید آورده است که به ویژه در عراق پس از صدام نمایان است

۹. بحران ناشی از امنیتی شدن هویت مذهبی در خاورمیانه

هویت در خاورمیانه هسته و کانون تحول امنیتی این منطقه را نشان می‌دهد. زیرا هویت فرهنگی و دینی حیات اجتماعی مردم خاورمیانه، به بحث فراگیری امنیت این منطقه دامن زده است. تأکید بر هویت را باید به منزله یک بعد کانونی مهم امنیت تلقی کرد. این تأکید بدان علت است که امنیت بطور اساسی با مفاهیم هویت و جامعه مرتبط است. امنیت خاورمیانه با رویکرد امنیت هویتی خود می‌تواند در اثر روابط خود، با امنیت مادی در تعارض قرار گیرد و به منازعه تبدیل شود. تکرار این نوع تعامل آن را به امری عادی تبدیل می‌کند و به حفظ هویتش تبدیل می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۶۰).

با بررسی تحولات جاری خاورمیانه به این واقعیت می‌توان دست یافت که ملاحظات هویتی نقش مهمی در تنظیم و اعمال سیاست خارجی کنشگران ایدئولوژیک اصلی منطقه ایفا می‌کند. با وجود اینکه دولت‌های منطقه خلیج فارس دارای برخی اشتراکات تاریخی - فرهنگی هستند که می‌تواند محرکی برای برنامه ریزی استراتژیک در جهت امنیت سازی، تعادل منطقه ای و همگرایی باشد، با این حال، تضاد هویتی بر اساس ادراکات متفاوت از قالب‌های دینی و ایدئولوژیک، مانعی جدی در این مسیر قلمداد می‌شود. بنابر این، در حال حاضر شاهد اختلاف بین دو روایت متعارض هویت دولتی در قالب "محافظه کاری سنی وهابی" آل سعود از یک طرف و "بین الملل گرایی شیعی - انقلابی" جمهوری اسلامی از سوی دیگر هستیم، که نقش برجسته ای در شکل دهی به ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه دارند. (آزر و مون، ۱۳۸۸: ۳۰)

بسیاری از محققان از جمله باری بوزان، کرولاین تامس، محمد ایوب، آزر و مون و دیگران تأکید کرده‌اند که چالشهای امنیت در کشورهای خاورمیانه عمدتاً داخلی است نه خارجی و همچنین ابعاد نرم افزاری امنیت مانند ضعف مشروعیت و یکپارچگی نیز باید لحاظ شود و از رویکردهای تقلیل گرایانه نظامی محور پرهیز شود. در واقع تقویت نظامی نمی‌تواند به تنهایی برای این کشورها امنیت بخش باشد. همچنین آنها تأکید کرده‌اند که میراث استعمار، ضعف دولت ملت سازی، شکاف عمیق بین دولت ملت نیز باید لحاظ شود و این عوامل در کنار هم باعث شده تا چالشهای امنیتی در خاورمیانه بسیار پیچیده تر و چند لایه تر از کشورهای غربی شود. از جمله مطالعات عمیقی که تلاش کرده‌اند با رویکردی تلفیقی به چالشهای امنیتی خاورمیانه پردازند می‌توان به نظریه آزر و مون و همچنین پژوهش ریچارد لیتل اشاره کرد.

ادوارد آزر و چونگ این مون برای تشریح وضعیت امنیتی کشورهای خاورمیانه، علاوه بر محیط امنیتی و سخت افزار امنیتی به بعد نرم افزاری امنیت نیز تأکید می‌کند. از نظر آنها، هر گونه ارزیابی معنادار از نحوه اجرای امور امنیتی در خاورمیانه باید مبتنی بر تشریح تعامل پویای محیط امنیتی، سخت افزار و نرم افزار با یکدیگر باشد. محیط امنیتی را می‌توان بر اساس تهدیدات، عملیاتی کرد. وجه سخت افزار با عامل قابلیت عملیاتی می‌شود. همچنین از آنجایی که مشروعیت و یکپارچگی معمولاً به صورت ظرفیت سیاسی متبلور می‌شوند، وجه نرم افزاری نیز با عامل ظرفیت سیاسی مشخص می‌شود. آزر و مون با توجه به سطوح مختلف مؤلفه‌های بالا در کشورهای خاورمیانه به تقسیم بندی وضعیت امنیتی آنها می‌پردازند. امن ترین کشورها کشورهایی هستند که دارای تهدید کم، قابلیت بالا و ظرفیت سیاسی قابل تطبیق هستند. بدترین نوع ناامنی نیز در کشورهایی مانند لبنان مشاهده می‌شود که تهدید زیاد، قابلیت کم و ظرفیتهای سیاسی شکننده است (آزر و مون ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۹).

۱۰. بررسی وضعیت امنیت در خاورمیانه

از منظری دیگر می‌توان برای بررسی وضعیت امنیت در خاورمیانه به دو محور عمده اشاره می‌کند که عبارت اند از ماهیت حکومت و ماهیت محیط. بهترین و موثرترین معیار امنیت در چهارچوب ماهیت حکومت انسجام سیاسی اجتماعی» و در چهارچوب ماهیت محیط «نوع محیط امنیتی» است که باری بوزان آن را برای سنجش قابلیت تسری ایده امنیت ملی به خاورمیانه به کار برده است. در این میان شاخص سازی ریچارد لیتل برای مؤلفه‌های بالا پراهمیت است. لیتل سه شاخصه «حکومت‌های یکپارچه»، «حکومت‌های چندپاره» و «حکومت‌های دستخوش بی‌نظمی» را برای متغیر انسجام سیاسی اجتماعی به کار گرفته است. منظور از حکومت‌های یکپارچه حکومت‌هایی هستند که با حمایت مردم و یا حداقل مخالفت آنها، به طور مشروع و انحصاری حفظ می‌شوند. حکومت‌های چندپاره حکومت‌هایی هستند که قدرتشان از راه سلطه حفظ شده است و رقابت بین گروه‌های مختلف داخل کشور برای دست یافتن به حکومت وجود دارد و مشروعیت در آن چندپاره است. حکومت‌های دستخوش بی‌نظمی حکومت‌هایی هستند که مشروعیت در آنها بسیار ضعیف است و هیچ گونه اقتدار و قدرت مسلطی بر آنها وجود ندارد و مدام میان گروه‌های مختلف که قدرت نسبتاً برابری دارند، درگیری مسلحانه برای گسترش نفوذ و قدرت وجود دارد (عبدالله خانی ۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۴۲).

۱۱. طرح هلال شیعی از سوی ایران

باید توجه کرد «منظور از هلال شیعی بیشتر جنبه ای عینی و جغرافیایی دارد. دشمنان تشیع از اتصال مذهبی جغرافیایی شیعیان در کشورهای عربی منطقه می‌ترسند.» البته، هلال شیعی اصطلاحی است که بیشتر از سوی کسانی که در صدد القای خطر شدت یافتن روابط شیعیان عراق با شیعیان خارج از عراق خصوصاً ایران است، استفاده می‌شود. عبدالله دوم پادشاه اردن، در کاربردی «شیعه هراسانه» از آن برای بیان تمایلات ایران دوستانه شیعیان عراق استفاده کرد، پس از او حسنی مبارک در مصر و ملک عبدالله در عربستان سعودی، از

جمله کسانی بودند که خطر هلال شیعی را در منطقه مطرح کردند.» (معروف، ۱۳۹۲: ۲۹۹-۲۷۱). کاربرد واژه هلال شیعی، «هم زمان با به حکومت رسیدن شیعیان در عراق، تکمیل کننده هلالی از حوزه های نفوذ شیعی بود که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان و افغانستان را در بر می گیرد. این موضوع موید گسترش حوزه نفوذ شیعیان نه تنها در ایران و لبنان بلکه در کلیه کشورهای است که در آنها جمعیت شیعه مذهب وجود دارد. علی رغم ایران هراسی گسترده که با مطرح شدن هلال شیعی در منطقه صورت می گیرد، با اینحال اتحاد و همگرایی ایران با شیعیان منطقه بیشتر از آنکه ایدئولوژیکی و به خاطر شیعی گری باشد به جهت واقعیات سیاسی، تلاش در جهت وحدت اسلامی، حمایت از مسلمانان و مقابله با حضور گسترده آمریکا در منطقه است. در واقع هدف از طرح هلال شیعی تحریک کشورهای عرب علیه ایران است.» (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

۱۲. طرح هویت سنی وهایی از سوی عربستان

«منزلت جویی» تلاش در جهت کسب هژمونی هویتی در منطقه در میان مؤلفه های هویت بخش هر جامعه، دین از منزلت بالایی برخوردار است. عربستان از طرفی اولین پذیرای اسلام و دربرگیرنده حرمین شریفین (مکه و مدینه) به عنوان مراکز معنوی و جغرافیایی جهان اسلام است و از طرف دیگر اسلام وهایی نقش اصلی را در شکل گیری حکومت نوین این کشور در ۱۹۲۰ داشته است. بنابر این هویت متمایز عربستان به نحو بارز به دلیل مقام شامخی است که به اسلام داده شده است. (درایسدل، بلیک، ۱۳۷۰: ۲۸۹-۲۸۷). موضع هویتی عربستان سعودی از ابتدای تأسیس تاکنون «دیپلماسی مبارزه با تهدید خارجی» بوده و سرشت، ماهیت و منبع تهدیدات، تعیین کننده سیاست خارجی آن کشور در قبال سایر کشورها بوده است. دولت سعودی به هیچ وجه یک واحد سیاسی «طبیعی» با پیشینه تاریخی یک دولت متمرکز و هویت مشترک قوی مانند مصر یا ایران نیست. بنابراین سیاست خارجی عربستان به راحتی از طریق چارچوب امنیت ملی فهمیده نمی شود. سیاست خارجی دولت عربستان سعودی به شدت تحت تأثیر تحولات و جریانان منطقه ای و گاه بین المللی بوده است که امنیت عربستان سعودی را تهدید کرده اند (عطایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۷). اما به طور کلی می توان امنیت داخلی و امنیت خارجی را در اولویت اساس سیاست خارجی عربستان دانست. بیشتر کارشناسان مسائل غرب آسیا تردید ندارند که عربستان سعودی با حمایت مالی و معنوی از گروه های تکفیری وهایی تروریستی در صدد تأمین منافع و اهداف سیاسی خود می باشد. به عنوان نمونه در مورد حمایت عربستان از طالبان در پاکستان باید نوشت: در دوره حکومت ضیاء الحق فعالیت های تبلیغی-مذهبی عربستان سعودی به بالاترین حد خود رسیده بود که همین فعالیتها بعدها باعث شکل گیری بسیاری از گروه های تندرو در پاکستان شد. عربستان سعودی با کمک های مستقیم و غیر مستقیم به گروه های شبه نظامی پاکستان اهداف خویش را در منطقه به پیش می برد. همچنین در جریان عملیات رزمندگان عراقی در پاکسازی برخی از شهرهای این کشور در جریان جنگ با داعش، خودروهایی کشف می شوند که دارای پلاک عربستان سعودی هستند و عناصر داعش از آنها برای اقدامات تروریستی خود استفاده می کنند.

۱۳. نقش تقابل ایران و عربستان در امنیت شدن عراق

با سقوط صدام و گسترش ژئوپولیتیک شیعه در خاورمیانه، موقعیت و جایگاه ایران در منطقه ارتقا یافته و این کشور توانسته اثر گذاری و نقش آفرینی خود را بهبود ببخشد. البته این وضعیت به متغیری تأثیر گذار در روابط ایران و عربستان تبدیل شده و چالش های مهمی را در روابط این دو کشور ایجاد نموده است. (هراتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۸). عراق هم به دلایل تاریخی و به خصوص مذهبی از اهمیت بالایی برای ایران برخوردار است. عراق با داشتن بیش از ۹۰ درصد شیعه، دومین بافت جمعیتی شیعه پس از ایران محسوب می شود. جمعیت شیعه عراق یک متحد طبیعی و استراتژیک برای ایران محسوب می شود. پس از سقوط صدام و با حاکمیت شیعیان در عراق این کشور از یک دشمن استراتژیک تبدیل به یک دوست و همکار منطقه ای برای ایران شد. در دوران پس از صدام روابط دو کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی توسعه چشمگیری پیدا کرده است به طوری که امروز عراق یکی از ۵ شریک اول تجاری ایران محسوب می شود. این گسترش مناسبات به هیچ وجه خوشایند عربستان نیست و این کشور از هر حربه ای برای تضعیف عراق و کاهش مناسبات دو همسایه شیعی استفاده می کند (صداقت، ۱۳۹۵: ۴۲). منافع ملی ایران و عربستان سعودی حول مسائل عراق، بیشتر از منظر و دیدگاه ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک نگرسته می شود تا جایی که عربستان سعودی در راستای همکاری با آمریکا در زمینه های ساماندهی سنی های عراق به رقابت شدید با ایران بر سر شیعیان عراق پرداخته است. مساعدت های ایران در طول سال ها و ایدئولوژی نسبتاً مشترک ایران و گروه های شیعه عراق با عنوان دو عامل مهم در ایجاد و نفوذ ایران بر شیعیان عراق عمل می کند، بدین گونه با به قدرت رسیدن آنها و کاسته شدن از جایگاه اقلیت سنی عراق سبب نفوذ ایران در حکومت جدید عراق پس از صدام شده است که به شکل گیری روابط دوستانه بین ایران و عراق انجامیده است (موسوی، ۱۳۹۱: ۹۹). از منظر سعودی ها، نزدیک شدن دولت عراق به ایران می تواند باعث پررنگ تر شدن گفتمان انقلاب اسلامی ایران شود که مبتنی بر حکومت اسلامی با محوریت مردم است. در نتیجه عربستان سعودی همواره بدنبال کاهش نفوذ شیعیان در ساختار سیاسی عراق با روش های مختلف و از جمله حمایت از گروه های رقیب بوده است. زیرا از دیدگاه عربستان سعودی، شیعیان دارای پیوند ایدئولوژیک بسیار بالایی با انقلاب اسلامی ایران هستند. اما در نهایت باید گفت هدف نهایی عربستان سعودی از مطرح کردن هلال شیعی و سایر موارد، مقابله با نفوذ ارزش های انقلاب اسلامی از جمله نظام سیاسی که می توانست به عنوان یک الگوی دینی حکومت در پهنه جهان اسلام مطرح باشد، بوده است. در نهایت منازعات داخلی عراق فرصتی به وجود آورد که عربستان سعودی بتواند نقش مقابله جویانه خویش علیه انقلاب اسلامی ایران را به خوبی ایفا نماید. فرایند دموکراتیک ساختار قدرت به حاشیه رفتن بعضی ها و سنی ها از ساختار قدرت در عراق را نیز به همراه داشت، که این وضعیت نگرانی های عربستان سعودی را به همراه داشت به گونه ای که آنان اتخاذ هرگونه موضع مثبت در مورد عراق را به زمان واگذار کردند و سعود الفیصل وزیر خارجه آن کشور اندکی پس از اشغال عراق گفت: «دولت سعودی منتظر می ماند تا مردم عراق دولتشان را انتخاب نمایند. مشارکت ما منوط به این مسئله است

که دولت آینده عراق تهدیدی برای مردم خاورمیانه نباشد» (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۱). با توجه به نفوذ وهابی گرایان افراطی در سیاست خارجی عربستان سعودی، و ادعای این کشور مبنی بر رهبری جهان اسلام، تسنن و عرب واضح بود که تهران و ریاض به عنوان دو رقیب در مقابل هم قرار خواهند گرفت. (هراتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۹).

۱-۱۳. منافع عربستان در عراق

عربستان همواره از منابع مالی و انسانی و ابزار ایدئولوژی اسلامی برای گسترش نفوذش در سراسر خاورمیانه بهره برداری می‌کند و این ابزار از ثبات عربستان در برابر ایدئولوژی اسلام شیعی محافظت کرده است. عربستان سعودی برای پیشبرد منافعش در صدد حمایت از اقلیت سنی در عراق است. حمایت عربستان از اقلیت سنی در عراق، شامل مساعدت های مالی، انسانی، سیاسی و دیپلماتیک است. در واقع عربستان مخالف یک عراق شیعی مرتبط با نفوذ ایران است و منافع خود را در یک عراق با ثبات تحت سلطه شیعیان نمی‌یابد، در مجموع حمایت عربستان سعودی از سنی های عراق را باید در ارتباط با رقبیت منطقه ای عربستان سعودی با ایران جستجو کرد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶). اولویت و هدف مهم تر سعودی ها در این حوزه، تلاش برای جلوگیری از تثبیت ساختار سیاسی جدید عراق و برهم خوردن موازنه قدرت منطقه ای به نفع رقبای عربستان در منطقه است. بر این اساس، مقامات سعودی تلاش کرده اند تا از تنش های شیعی سنی به عنوان عرصه ای برای بسیج افکار عمومی و توده های درونی، در جهت حمایت از سیاست خارجی خود استفاده کنند. این سیاست که از ملاحظات استراتژیک عربستان سعودی در خصوص موازنه قدرت منطقه ای ناشی می‌شود، به تساهل سعودی ها در خصوص ورود جنگجویان خود به عراق و حمایت از شورشیان سنی منجر شده است (اسدی، ۱۳۸۷: ۲). در مجموع، قدرتمند شدن شیعیان در منطقه علاوه بر آنکه موجب کاهش نفوذ عربستان می‌شود زمینه تقویت شیعیان عربستان را فراهم می‌آورد. (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۲۶).

۲-۱۳. منافع ایران در عراق

منافع ملی و ژئوپلتیک ایران و عربستان سعودی حول مسائل عراق بیشتر از منظر و دیدگاه منافع ایدئولوژیک نگریده می‌شود. تا جایی که عربستان سعودی در راستای همکاری بیشتر با آمریکا در زمینه ساماندهی سنی های عراقی به رقابت شدید با جمهوری اسلامی ایران بر سر شیعیان عراقی پرداخته است. عراق را می‌توان نقطه حساس سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی برای کسب تفاهم یا تقابل احتمالی دانست. عراق متمایل به عربستان سعودی و اعراب به منزله تنگ تر شدن حلقه انزوا علیه ایران و بالعکس، عراق متمایل به ایران به منزله اتحاد ژئوپلتیک شیعه، بر هم خوردن توازن قدرت در منطقه و خطر گرایشات جدایی طلبانه از سوی شیعیان عربستان سعودی است (هادیان، ۱۳۸۵: ۱۹).

۱۴. روابط ایران و ترکیه با عراق

انقلاب اسلامی ایران، بیش از همه موجودیت حکومت نامشروع و خودکامه در عراق و منطقه را تهدید می‌کرد؛ چراکه دارای بیشترین جمعیت شیعه نشین بوده است و اگر عراق سقوط می‌کرد، کشورهای عرب خلیج فارس یکی پس از دیگری سقوط می‌کردند (حشمت زاده، ۱۳۸۷: ۸۸). ایران و عراق روابط پر تنش را آغاز کرده بودند تا اینکه در شهریور ۱۳۵۹ اختلافات مرزی موجب جنگ بین دو کشور شد و پس از ۸ سال با قطعنامه ۵۹۸ پایان یافت. پس از آن نیز روابط دو کشور بهبود نیافت و تا سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ روابط محتاطانه‌ای در پیش گرفتند. (Eisenstadt, ۲۰۱۵:۱)

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ فصل جدیدی از روابط خارجی ترکیه با کشورهای منطقه به وجود آمد. در این راستا، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه بر مبنای به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و سیاست خارجی چندجانبه‌گرا شکل گرفت و تلاش شد اختلافات سیاسی و فرهنگی با همسایگان مخصوصاً عراق و سوریه حل و فصل شود. ترکیه از این دوران به بعد با ایفای نقش میانجیگری بین کشورها و در بحران‌های مختلف، سعی در ایجاد روابط مثبت با کشورهای منطقه را داشته است. در جریان حمله ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، ترکیه نه تنها با آن مخالفت کرد؛ بلکه اجازه استفاده از خاک کشورش را به نیروهای ائتلاف نداد. روابط ترکیه و عراق در این دوره به طور قابل توجهی گسترش یافت. دیدارهای عبدالله گل، اردوغان و داوود اغلو از عراق و دیدارهای نوری مالکی و جلال طالبانی از ترکیه طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، به گسترش همکاری‌ها و روابط اقتصادی و سیاسی دو کشور منجر شد. تحولات جدید و بحران تروریسم در عراق، روابط دو کشور را متحول کرده است؛ به طوری که براساس مواضع دولت ترکیه در قبال داعش و پ.ک.ک، حضور این کشور در شمال عراق موجب نگرانی دولت این کشور شده است. در راستای قرارداد سال ۲۰۱۶ بین ترکیه و عراق، سربازان ترک در اردوگاه بعشیه در نزدیکی های موصل، به منظور مبارزه با سازمان تروریستی داعش به عناصر محلی آموزش می‌دهند. افزایش شمار سربازان ترک در اردوگاه بعشیه در اواخر سال ۲۰۱۵ موجب بروز بحران بین دو کشور شد.

۱۵. نقش ایران و ترکیه در امنیتی شدن عراق

وابستگی متقابل امنیتی و منطقه‌گرایی ایران و ترکیه و قرار گرفتن این دو کشور در منطقه‌ای بسیار بحرانی باعث شده است که سیاست خارجی دو کشور صبغه امنیتی به خود بگیرد. عوامل زیادی امنیت دو کشور را به مسائل و تحولات منطقه پیوند می‌زند؛ اما در رابطه با تحولات جدید سوریه و عراق، مهم‌ترین مسائلی که موجب وابستگی متقابل امنیتی دو کشور به منطقه می‌شود و به دنبال آن تلاش دو کشور برای مقابله با تهدیدات را موجب می‌شود، ظهور جریان‌ات تروریستی جدید و جنبش‌های قومی است.

دولت‌های ضعیف و شکننده در عراق، پاکستان و افغانستان باعث گسترش تروریسم و افراط‌گرایی در منطقه شده‌اند. این امر نظم و ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار

می‌دهد. وهابیت و سلفی‌گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی، منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی است (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۲). ظهور جریان افراطی و تروریستی داعش (دولت اسلامی عراق و شام) در عراق و سوریه، موج جدیدی از ناامنی را در منطقه ایجاد کرد. اگرچه زمینه‌ها و ریشه‌های این جریان به سال‌های قبل از تحولات بر می‌گردد، اما حضور آن در قالب جنگ‌ها و برخوردهای مسلحانه به صورت گسترده از ۲۰۱۱ آشکار شد. داعش نه تنها امنیت سوریه و عراق را مختل کرده است، بلکه تهدیدی علیه امنیت و تمامیت ارضی کشورهای همسایه از جمله ایران و ترکیه است. (همان: ۱۳)

۱۶. داعش و امنیتی شدن عراق

داعش گروهی مسلح و شبه نظامی است که عقاید سلفی و جهادی دارد و هدف از تشکیل آن خلافت اسلامی است. سلفی‌ها بر مبارزه مسلحانه و پیکارجویانه برای تجدید حیات اسلام تأکید دارند و بنابراین، بر به دست آوردن قدرت سیاسی تلاش دارند (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۲). یکی از مبانی فکری داعش، مبارزه با تشیع است و در این راه شیعیان بسیاری را در عراق و سوریه به قتل رسانده است. بنابراین، ایران که کشوری شیعه است، یکی از اهداف اقدامات داعش علیه شیعیان را تشکیل می‌دهد. نزدیکی و همسایگی کشور عراق و سوریه تهدید داعش را برای ایران افزایش می‌دهد؛ به این دلیل که هر چه کانون تهدید نزدیک تر باشد، تأثیر آن بیشتر و سریع تر خواهد بود. موضع ایران در قبال داعش، حمایت از دولت‌های عراق و سوریه و کمک به آنها برای مقابله با این جریان تکفیری - وهابی بوده است. حضور سپاه قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی و آموزش و هدایت نیروهای عراقی و سوری، از جمله اقدامات ایران در مقابله با داعش بوده است (سپاه قدس، ۲۵ اسفند ۱۳۹۳).

داعش جریانی خشونت طلب و تندرو که سودای احیای خلافت اسلامی دارد. جریانی که در کوتاه مدت توانست به فتوحات چشمگیری دست یابد و از سوریه به عراق رفته و بخش‌هایی از سرزمین عراق را هم اشغال کند. در نهایت رهبر داعش خود را خلیفه مسلمانان جهان نامید و از همه پیروان ادیان دیگر خواست که از آنها پیروی کنند (عباسی، ۱۳۹۳، ۳).

داعش یکی از انشعابات القاعده و به صورت مشخص تر، یکی از انشعابات جبهه النصره است، که شاخه‌ای از القاعده بود و در سوریه فعالیت می‌کرد. سازمان القاعده در اوایل دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت و شکل‌گیری اش بر اساس تئوری خاص دینی و سیاسی بود. نیروهای القاعده در این دهه تحولات مختلفی را پشت سر گذاشتند: مدتی در سودان بودند، سپس به افغانستان رفتند تا اینکه در سال ۲۰۰۱ حمله یازده سپتامبر شکل گرفت. بعد از سقوط صدام در عراق، القاعده عراق به رهبری زرقاوی تاسیس شد. پس از تحولات کشورهای عربی و شروع جنگ داخلی در سوریه یکی از اصلی‌ترین گروه‌های مخالف که اتفاقاً مسلحانه هم عمل میکرد، جریان القاعده بود که نامشان را جبهه النصره گذاشتند. پس از مدتی این جریان هم انشعاب کرده و داعش شکل گرفت (مسجد جامعی، ۱۳۹۵، ۴۵۶)

۱۷. عراق بعد از حضور آمریکا

با حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعث، نفوذ و قدرت ایران در منطقه افزایش یافت، ضمن آنکه دشمن و رقیب غربی آن نیز حذف شده بود. از سوی دیگر، با روی کار آمدن یک دولت شیعی در عراق، روابط ایران و عراق نیز دوستانه تر شده و از دشمنی های طرفین کاسته شده است (ولدانی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). دولت جعفری که پس از صدام روی کار آمد، روابط دوستانه ای با ایران داشت و روابط چند جانبه بین طرفین بهبود یافت. با روی کار آمدن نوری مالکی، این روابط بسیار گرم تر شد. در سطح روابط دوجانبه حضور شیعیان در رأس قدرت پس از سقوط حزب بعث، زمینه های همکاری های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی امنیتی را فراهم کرده است. از سوی دیگر، با پررنگ کردن نقش شیعه در منطقه، بر قدرت و نقش ایران افزوده شده است. ایران پس از سقوط صدام حسین برای رسیدن به اهداف خود در عراق، استراتژی های مختلفی را دنبال کرده است که از جمله می توان به حمایت از نیروهای نظامی و احزاب طرفدار ایران، تلاش برای نفوذ بر رهبران و احزاب سیاسی عراقی و بازسازی اقتصاد عراق اشاره کرد (Katzman, ۲۰۰۹: ۲-۳).

۱۸. بحران های ناشی از امنیتی شدن در عراق

بحران های امنیتی عراق جدید در پرتو رویکرد دوسطحی حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط سریع صدام حسین که با تلفات محدودی صورت پذیرفت، در ابتدا شکل گیری نظام سیاسی باثبات و دموکراتیکی در عراق را نوید می داد، اما چندان به طول نینجامید که اوضاع بسیار پیچیده های عراق را فراگرفت و این کشور در فضای پیچیده ای از منازعات خشونت آمیز قومی مذهبی داخلی، دخالت بازیگران منطقه ای و جاه طلبی های قدرتهای بزرگ فرو رفت. در سطح داخلی، اقدامات تروریستی و خشونت طلبانه از سوی گروه های مختلف رخ داد. نزاع شدید میان سنی ها و شیعیان، خشونت علیه مسیحیان، تنش بین اکراد و اعراب، اوضاع داخلی عراق را چنان پیچیده و ناامن کرد که هر گونه اطلاق رویکرد واقع گرایانه را بر عراق پس از صدام دشوار می ساخت. برای فهم چرایی این منازعات که در بمب گذاری، ترور و جنگ های فرقه های مذهبی نمود می یافت، باید گریزی به شکل گیری دولت و الگوی دولت ملت سازی در عراق معاصر داشت.

بررسی اجمالی در تاریخ عراق نشان می دهد که دولت حاکم بر این کشور یک دولت بی ریشه یا فاقد پایگاه اجتماعی و مقبولیت فراگیر بوده است و یک دولت ملت فراگیر که تجلی نهادین و فراگیر همه گروه بندی های قومی و مذهبی باشد، شکل نگرفته است. الگوی حاکم بر فرآیند ملت سازی در عراق از زمان ملک فیصل تا زمان سقوط صدام حسین، از نوع همانند سازی اجباری یا ادغام تحمیلی و سرکوبگرانه گروه های قومی کرد، ترکمن و ارمنی در هویت ملی عربی و نیز سرکوب شیعیان از سوی اقلیت حاکم عرب زبان سنی مذهب بوده است. بنابراین دولت عراق نماینده واقعی تمام گروه های مذهبی و قومی یا تجلی نهادین ملت فراگیر نبودند، بلکه در عمل نماینده اقلیت حاکم عرب زبان سنی مذهب و نخبگان آن بودند (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۳). در این میان باید توجه داشت که خشونت و سرکوبی که از سوی دولت اقلیتی عرب سنی علیه سایر

جریانات مذهبی قومی مانند شیعیان و اکراد در طول زمان به ویژه دوره صدام حسین اعمال شد، عمیقاً زمینه تضادهای عمیق مذهبی فرقه ای را ایجاد کرد و بر پتانسیل خشونت و کینه در این کشور افزود. استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه اکراد و سرکوب شدید و خشونت آمیز شیعیان در سال ۱۹۹۱ تنها برخی از اقدامات دولت صدام بود که بر شکافهای مذهبی و قومی در این کشور دامن زد و پتانسیل خشونت را گسترش داد.

با توجه به تحولات پس از فروپاشی صدام، می توان دریافت که با فروپاشی ساختار قدرت مبتنی بر انحصار قدرت در دست سنیهای عرب زبان، قدرت جریانهای شیعی و اکراد به مرور گسترش می یابد طوری که رییس جمهور و نخست وزیر کنونی عراق به ترتیب از اکراد و شیعیان هستند. با این حال چنین تحولاتی اصلاً برای بخش عظیمی از اعراب سنی مذهب که عمدتاً در نواحی مرکزی عراق سکنی گزیده اند، قابل پذیرش نبود. بررسی روند خشونت و ناامنی در عراق جدید حاکی از آن است که بیشتر ناآرامی ها و شورشها در مثلث سنی نشین عراق که شامل مناطقی چون فلوجه، تکریت و الرمادی است، به وقوع پیوسته است. در واقع این نواحی خاستگاه اصلی حزب بعث عراق بوده و دولت صدام با تکیه بر حمایت بی دریغ این جمعیت بر اکراد و شیعیان حکمرانی می کرد. (<http://www.asnoor.ir>) به طور کلی جامعه عراق از سه شکاف اصلی برخوردار است: شکاف مذهبی بین اکثریت شیعه و اقلیت سنی مذهب؛ شکاف قومی زبانی بین اکثریت عرب و اقلیت غیر عرب کرد، ارمنی و ترکمن؛ شکاف بین اکثریت مسلمان و اقلیت غیر مسلمان ارمنی و آشوری (سردارنیا، : ۱۳۹۱: ۱۴) لازم به ذکر است که در بسیاری از شهرهای عراق نیز شکافهای بالا بروز دارد به عنوان مثال کرکوک به طور تاریخی ترکمن نشین بوده، با این حال در دوره های مختلف پس از دهه ۱۹۶۰ سیاستهای عربی سازی در این منطقه دنبال شد که معطوف به تغییر بافت جمعیتی این شهر پراهمیت بود به صورتی که کوچاندن ترکمن ها و اسکان دادن اعراب دنبال شد. این سیاستها خود باعث شکل گیری تعارض بین اعراب و ترکمن ها و اکراد در دوره پس از صدام شد.

نتیجه گیری

خاورمیانه از ازمئه قدیم محل تلاقی اقوام مختلف بوده است شاید به جرأت می توان گفت که بحران با تاریخ این منطقه عجین بوده است و علت آن را در تلاقی اقوام، ظهور ادیان مختلف، وجود ثروت های طبیعی و بسیاری از موارد را می توان از علل حساسیت خاورمیانه برشمرد. تحولات جدید عراق که از ۲۰۱۱ تاکنون آغاز شده، تهدیدها و فرصت های متعددی را در منطقه ایجاد کرده که این امر سیاست خارجی قدرت های منطقه ای از جمله ایران، عربستان و ترکیه و کشورهای فرامنطقه ای مانند آمریکا، روسیه و برخی دولت غربی را با گزینه های متفاوتی رو به رو کرده است. به عنوان نمونه روابط تاریخی و اختلافات تاریخی با عراق و سوریه موجب شده است تا ایران راهبرد حفظ رژیم های سوریه و عراق را اتخاذ کند تا از تکرار برخی تهدیدات تاریخی و دشمنی ها علیه کشور جلوگیری کند. همین عامل موجب شده است که ترکیه از ابتدای بحران های اخیر الوقوع، حذف رژیم سوریه و تضعیف دولت عراق را در دستور کار خود قرار دهد؛ منتها پس از رایزنی مقامات سیاسی - امنیتی روسیه و ایران با سران این کشور و وقوع کودتا علیه رجب طیب اردوغان و

مسأله همه پرسى استقلال منطقه كردستان عراق، قدرت يابى بيش از بيش كردهاى شمال سوريه و همچنين، تضعيف داعش، ناگزير شد از سياست هاى تهاجمى قبلى مبنى بر پيشبرد الگوى منطقه اى خود براى قدرت يابى بيش تر از رهگذر رخنه در دولت هاى مركزى سوريه و عراق عقب نشينى نمايد.

عامل ديگر امنيتى شدن و تشديد بحران در خاورميانه به ويژه عراق، امنيتى شدن از طريق «هويتى شدن رقابت هاى هويتى» خصمانه بازيگران منطقه اى از جمله ايران و عربستان مى باشد. خاورميانه به عنوان كانون بحران ها، اختلاف بين دو روايت متعارض هويت مذهبى در قالب «محافظة كارى سنى وهابى» آل سعود و «بين الملل گرايى شيعى انقلابى» جمهورى اسلامى در مركزيت آن قرار دارد كه نقش برجسته اى در شكل دهى به ژئوپوليتيك جديد خاورميانه و عراق به عنوان دومين جمعيت شيعه نشين گرديده است.

داعش قدرتمند ترين تبلور از سازمان تروريستى است كه تحت نام شاخه القاعده در عراق و پس از حمله سال ۲۰۰۳ آمريكا به عراق شكل گرفت. بحران داعش در ميان تمام كشورهاى منطقه داراى اثرات جدى مثبت و منفى بوده است. در روابط بين الملل تمامى كشورها بعد از وقوع بحران داعش، در چارچوب مناسبات دسته بندي كشورها از اين بحران در راستاى افزايش قدرت و اعتبار ملي خود استفاده كردند. عربستان، قطر و تركيه در يك گروه و ايران، عراق و سوريه در دسته بندي ديگر قرار گرفتند. عربستان براى مقابله با نفوذ تشيع و اطمينان يافتن از اين مسأله كه تسنن بر جهان اسلام تفرق دارد، هر اقدامى را انجام مى دهد. بازيگرى اتحاديه اروپا به ويژه انگلستان در بحران عراق نيز در سايه اختلافات درونى اين اتحاديه تا حدودى مشابه آمريكا و در سطحى پايين تر از اين كشور در راستاى جلوگيرى از گسترش تهديدات گروه هاى تكفيرى براى اروپا نيز مشغول كردن آنها در منطقه خاورميانه و ممانعت از بازگشت آنها به اروپا خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. منابع فارسی

الف) کتاب

- بوزان، باری. (۱۳۸۹). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله. قربانی شیخ نشین، ارسالان. سیمبر، رضا (۱۳۹۰)، سیاست و حکومت در خاورمیانه، تهران: انتشارات سمت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، نشر دانش.
- بوزان، باری و ویور، ایل. (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: جمعه‌ای، روح‌الله (۱۳۸۸)، طرح خاورمیانه بزرگ، تهران: نشر ایرنا.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۷). تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- عبدالله‌خانی، علی. (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، جلد اول، تهران: ابرار معاصر.
- مرتضی‌ماهری ولینجق، (۱۳۹۹)، بحران‌های امنیتی در دولت ملی عراق (چند فرهنگی بودن در سایه‌ی جهانی شدن)، انتشارات ندای کارآفرین، تهران
- مهکویی، ح. (۱۳۹۵)، نگاهی به هیدروپلیتیک یا وضع منابع آب در جهان. فصلنامه سیاسی اقتصادی. شماره ۳۰۵
- قیصری، ن. (۱۳۹۵)، کتاب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین، آفاق امنیت. سال هفتم شماره بیست و دوم.
- عمید، حسن، (۱۳۹۰)، فرهنگ عمید، انتشارات موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۶
- معین، محمد، (۱۳۹۱)، کتاب فرهنگ فارسی، انتشارات موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۷

مقالات

۱. ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۳۸۹). چشم‌انداز روابط کشورهای عرب با عراق جدید». فصلنامه مطالعات راهبردی. (۴۷): صص ۱۵۰-۱۲۳.

۲. ابراهیمی، نبی‌اله (۱۳۸۹). «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۸۲.
۳. اخباری، محمد، ایازی، محمدهادی (۱۳۸۶)، وضعیت خاورمیانه در ساختار ژئوپلیتیکی هزاره سوم، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم، پاییز. صص ۳۵-۴۴
۴. اخوان کاظمی، مسعود، عزیزی، پروانه (۱۳۹۰)، کردستان عراق، هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰، پاییز صص ۱۴۱-۱۶۸
۵. آدمی، علی (۱۳۹۱). «بحران بحرین و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، ش ۹۲.
۶. آدمی، علی (۱۳۹۱). «بحران بحرین و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه راهبرد. ۲۱ (۹۲)
۷. اسدی، علی اکبر (۱۳۸۷). دولت سازی در عراق جدید و چالش های فرار. گزارش راهبردی معاونت پژوهش های سیاست خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۸. درایسدل، آلا یسدر و بلیک، یان (۱۳۷۰). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۹. رستمی، فرزاد و غلامی حسن آبادی، مسلم (۱۳۹۶). «امنیت هستی شناختی و استمرار مناقشه هسته ای ایران و غرب». فصلنامه سیاست جهانی. ۴(۱): صص ۱۹۹-۱۳۵.
۱۰. سجاد خطیبی پور؛ محمدولی مدرس؛ سیدعلی منوری (۱۳۹۷)، امنیتی شدن مذهب و ارتقاء بحران در خاورمیانه: با تأکید بر بحران های عراق و سوریه (۲۰۰۵-۲۰۱۷)، دوره ۸، شماره ۳ - شماره پیاپی ۲۹، پاییز ۱۳۹۷، صفحه ۳۳-۶۲
۱۱. سردارنیا، خلیل الله (۱۳۹۱)، «عراق، استمرار خشونت و رویای دموکراسی: یک تحلیل چندسطحی، تابستان ۹۱، دوره ۲۱، شماره ۶۳، صفحات ۷ تا ۳۶.
۱۲. سید امیر نیاکویی (۱۳۹۲)، بررسی بحران های عراق و سوریه در پرتو نظریه های امنیتی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۲، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱، بهار ۱۳۹۲، صفحه ۹۵-۱۱۵
۱۳. صداقت، محمد (۱۳۹۵)، الگوی روابط ایران و عربستان از رقابت تا خصومت، ماهنامه پژوهش ملل، سال ۲، شماره ۱۴، صفحات ۳۵-۳۷
۱۴. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). «بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن». فصلنامه مطالعات، راهبردی. ۹ (۳): صص ۱۱-۴۹۱
۱۵. عبدالله خانی، علی (۱۳۹۲). نظریه های امنیت؛ مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۱۶. عسگریان، عباسقلی و تجری، سعید (۱۳۸۹). «تأثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه در منطقه قفقاز»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۹۷

۱۷. عطایی، فرهاد و منصوری مقدم، محمد. (۱۳۹۲). تبار شناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع گرایانه بر بستری هویتی». روابط خارجی ۱۷: صص ۱۳۳-۹۸
۱۸. علائی، حسین. (۱۳۹۱). «تحلیل تغییرات موازنه قدرت در خاورمیانه در پی قیام های مردمی در کشورهای عربی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، ش .. فرج زاده، سکینه (۱۳۸۹). «بررسی مواضع ترکیه نسبت به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران»، فصلنامه دفاع مقدس، سال نهم، شماره سی و پنجم
۱۹. غلامی طهمورث؛ احمدیان قدرت لله، (۱۳۹۳)، ماهیت دولت و امنیت ملی در عراق، نشریه سیاست دفاعی، اطلاعات شماره: پاییز ۱۳۹۳، دوره ۲۲، شماره ۴ (پیاپی ۸۸)، از صفحه ۱۱۵ تا صفحه ۱۵۲.
۲۰. قاسمی، صابر. (۱۳۷۶). ترکیه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. کوهکن، علیرضا و تجربی، سعید. (۱۳۹۳). «بحران سوریه و سیاست منطقه ای عربستان سعودی»، فصلنامه راهبرد، ش ۱۲
۲۱. کاظمی، احمد (۱۳۸۴)، «امنیت در قفقاز جنوبی»، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۲۲. محمدجواد فتحی؛ الهام رسولی ثانی آبادی؛ میلاد خسروی نژاد، (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه گرایی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، دوره ۱۰، شماره ۳۶ - شماره پیاپی ۳۶، پاییز ۱۳۹۷، صفحه ۲۶-۵۰
۲۳. مسعود نیا، حسین و همکاران (۱۳۹۱). ترکیه و بحران سوریه از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره چهارم. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۸). «جایگاه قومیت در منافع ملی ایران»، فصلنامه روزه، سال ۸۸، چهارم، ش ش ۱۱ و ۱۲ و ۱۳.
۲۴. معروف، یحیی. (۱۳۹۲). «ویژگی های جغرافیایی قلمروهای شیعه نشین «هلال شیعی»»-فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. ۱۰ (۳۳).
۲۵. موسوی، سید محمد و بخشی، رامین. (۱۳۹۱). «تأثیر ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا. ۱۱.
۲۶. میزن، جنیفر. (۱۳۸۸). امنیت هستی شناختی در امنیت بین الملل. نوشته مایکل شیهان، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، چاپ اول. تهران: پژوهشکده مطالعات
۲۷. نادری نسب، پرویز. (۱۳۸۹). «چالش های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه « فصلنامه سیاست. ۴۰(۱). نقیب زاده، احمد. (۱۳۸۰). درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی. تهران: سمت
۲۸. نیاکویی، امیر و بهمنش، حسن. (۱۳۹۱). «بازیگران معارض در بحران سوریه، اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، ش ۴.

۲۹. نیاکوئی، سید امیر و ستوده، علی اصغر. (۱۳۹۶). «ماهیت راهبرد عربستان سعودی علیه انقلاب اسلامی در منازعات سوریه و عراق». فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، (۱۷) ۴.
۳۰. هادیان، حمید. (۱۳۸۵). «کاوشی در روابط ایران و عربستان سعودی». مجله راهبرد. ۳۹.
۳۱. هادیان، ناصر. (۱۳۸۲). «سازه انگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی». فصلنامه سیاست خارجی ۱۷(۹۸).
۳۲. هراتی، محمدجواد، دیگران. (۱۳۹۶). «بازتاب نظم سیاسی جدید عراق بر روابط دوجانبه ایران و عربستان». فصلنامه سیاست جهانی. (۹): صص ۱۴۹-۱۹۴.
۳۳. هراتی، محمدجواد، سلیمانی، رضا و عبادی، عبدالواحد. (۱۳۹۶). «بازتاب نظام سیاسی جدید عراق بر روابط دوجانبه ایران و عربستان». فصلنامه سیاست جهانی. (۳): صص ۱۹۹-۱۹۷.

پایان نامه

۱. خطیبی پور، سجاد. (۱۳۹۷)، امنیتی شدن مذهب و تأثیر آن بر ارتقا بحران در خاورمیانه با تأکید بر بحران‌های عراق و سوریه (۲۰۰۵-۲۰۱۷)، دکتری تخصصی (PhD)، استاد راهنما: محمدولی مدرس استاد مشاور: ارسلان قربانی شیخ‌نشین استاد مشاور: سیدعلی منوری، دانشگاه خوارزمی، پردیس بین‌الملل
۲. ستوده حاجی عباسعلی خانی، علی اصغر. (۱۳۹۵). تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه (۲۰۱۱ تاکنون)، دکتری تخصصی (PhD)، استاد راهنما: سیدامیر نیاکوئی استاد مشاور: رضا سیمبر استاد مشاور: ابراهیم متقی، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۳. سهرابی، همت علی. (۱۳۹۶)، تأثیر ژئوکالچر شیعه بر بحران‌های امنیتی منطقه غرب آسیا (سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۶، مطالعه موردی: کشور عراق)، کارشناسی ارشد، رشته: جغرافیا - جغرافیای سیاسی، استاد راهنما: علی بیژنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - دانشکده ادبیات و علوم انسانی

۲. منابع لاتین

1. Burns And William And Flournoy, Michele (2017)"Contain, Enforce And Enhance: An Integrated Us Strategy To Address Iran S Nuclear And Regional Challenge", Carnegie Endowment For International Peace.
2. Eisenstadt, Michael(2015), "Iran And Iraq" The Washington Institute For Near East Policy.
3. Katzman, Kenneth (2010)," Iran - Iraq Relations", CRS Report For Congress, No12 "Turkey Sends In Jets As Syria's Sagony Spills Over Every Border" (25/Jul/ 2015), Guardian, Available In: [Http://Theguardian.Com/World/2015/Jul/25](http://theguardian.com/world/2015/jul/25)

4. LUCAS, Scott(2015). "The Effects Of Russian Intervention In The Syria Crisis" , GSDRC Cander, Cengiz(2017), "Turkeys Threats Against Kurdish Referendum Vague In: <https://www.google.com/amp/s/www.al-butdeliberate.com/pulse/en/originals/2017/09/turkey-iraqi-kurdistan-referendum-ankara-adopts-ambiguity.amp.html>
5. Smyth, Philip(2017), "Revolution Unveiled: A Closer Look At Iran S Presence An Influence In The Middle East", Atlantic Council.
6. Walt, Steven, (1987), the Origin of Alliance, Ithaca, NY: Cornell University.
7. Waltz, Kenneth, (1979), Theory of International Politics, London: Addison-Wesley

۳. منابع اینترنتی

۱. واعظی، محمود (۱۳۸۹). چالش‌ها و رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی، مرکز تحقیقات استراتژیک، قابل دسترس در:
<http://www.csr.ir/departements.aspx?abtid=07&&depid=44&semid=1095>
2. <http://www.farsnews.com>
3. <http://www.asnoor.ir/Public/News/ViewNews.aspx?Code=14087>